

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.34876.3626>

Evaluation of articles of the Islamic Penal Code adopted in ۱۳۹۲ with postmodern criminology with emphasis on the Law on Reduction of Punishments ۱۳۹۹

Abstract

Background and Purpose; Postmodern criminology, with a new reading of the concept of crime in criminal law, has mainly made crime the ruling political and cultural system and criticized the inefficiency of modern criminal law and Islamic normative systems, to differentiate the concept of crime in the light of rejecting assumptions. And devotional concepts in criminal law, rejecting scientific and rational etiology, critique of legal, material and spiritual elements of crime, and believing in relativity and plurality and diversity has adopted a new approach to criminalization that the articles of the Islamic Penal Code sometimes to this component They get closer and sometimes farther away. The most important question before, how to read a crime based on postmodern ideas, how to draw a picture of a crime and what are the similarities and differences with criminology approved by the Islamic Republic of Iran in ۱۳۹۲?

research method; The collected materials are based on library studies, receipts, and data analysis. The use of research papers and articles and law books in this field has also benefited greatly.

Research findings; Findings of the research confirm that the law adopted in ۱۳۹۲ in some legal materials is compatible with postmodern criminology, which is usually the observance of human dignity and limitation of power, its restoration and popularization, and the reduction of criminal offenses. In some other theoretical legal materials, subsidiary and complementary crimes, legal presumptions, white-collar crimes, racial, religious and gender discrimination, etc. are in conflict with postmodern criminology

ارزیابی موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با جرم شناسی پست مدرن با تاکید بر قانون
کاهش مجازاتها ۱۳۹۹

سیروس پارسا^۱

علی جانی پور^۲

کرم جانی پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳

چکیده

زمینه و هدف؛ جرم شناسی پست مدرن، با خوانش جدید از مفهوم جرم در حقوق کیفری، جرم را عمدتاً بر ساخته نظام سیاسی و فرهنگی حاکم مطرح و با انتقاد به ناکارآمدی حقوق کیفری مدرن و نظام های هنجار ساز اسلام، به ارزیابی متفاوتی از مفهوم جرم در پرتو رد مفروضات و مفاهیم تبعیدی در حقوق کیفری، رد علت شناسی علمی و عقلانی، نقد عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم، پرداخته است و با اعتقاد به نسبت و تکرر و تنوع رویکرد جدیدی به جرم انگاری اتخاذ کرده است که مواد قانون مجازات اسلامی گاه به این مولفه ها نزدیک و گاه از آن دور می شود. مهمترین سوال پیش رو، قرائت جرم بر مبنای انگاره های پست مدرن چگونه تصویری از جرم ترسیم و چه وجوه اشتراک و افتراقی با جرم انگاری مصوب ۱۳۹۲ مجلس جمهوری اسلامی ایران دارد؟

روش پژوهش؛ مطالب گرد آوری شده بر اساس مطالعات کتاب خانه ای، فیش برداری، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. استفاده از رسالات و مقالات پژوهشی و کتب حقوقی در این زمینه نیز بهره فراوانی گرفته شده است.

یافته های پژوهش؛ یافته های پژوهش موید این موضوع است که قانون مصوب ۱۳۹۲ در برخی از مواد قانونی با جرم شناسی پست مدرن تناسب و همخوانی دارد که معمولاً رعایت کرامت انسانی و تحدید قدرت، ترمیمی و مردمی کردن آن و کاهش جرایم تعزیری است. در برخی دیگر از مواد قانونی نظری جرایم تبعی و تکمیلی، مفروضات قانونی، جرایم یقه سفید، تبعیض های نژادی و دینی و جنسیتی و... در تعارض با جرم شناسی پست مدرن می باشد.

واژه های کلیدی: جرم، پست مدرن، حقوق کیفری، قانون مجازات اسلامی

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

Aseman415@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

Ali.janipour.2021@gmail.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

Karamjanipour1349@gmail.com

جرم شناسی پست مدرن^۱، با رد عقلانیت و تکیه و تاکید بر ذهنیت، گفتمان و قدرت به تبیین پدیده مجرمانه می پردازد. این بینش فکری، جرم و قانون کیفری را یک ساخت بندی اجتماعی و سیاسی آنهم در پناه قدرت حاکم تلقی کرده که رسانه های جمعی بطور فزاینده ای در شکل گیری آن نقش دارند (هیکس، ۱۳۹۱: ۷۳). حقوق کیفری پست مدرن، عناصر قانونی، مادی و معنوی جرم را مورد نقد قرار داده و معتقدند امروز جرایم شکل مادی صرف به خودگرفته و اصل قانونی بودن جای خود را آیین نامه ای شدن داده و جرایم صنفی شده است. (نایجیلی ۱۳۷۶: ۳۹۲). روند آیین نامه ای و اداری شدن در جهت عقب نشینی حقوق کیفری و ترقیق قانونمندی و خروج از عدالت کیفری به سمت عدالت ترمیمی است. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) آنچه مسلم است این که ماهیت حقوق کیفری پست مدرن، پیچیده، ذهنی، میان رشته ای و بسیار دامنه دار است حتی هیچ اتفاق نظر و اجماعی میان نویسندگان پست مدرن وجود ندارد و گاهی از یک نوع «درون تناقضی» نیز برخوردار هستند. (حسن، ۱۳۸۴: ۵۴) بلحاظ اینکه پسانوگرایی جنبش فکری یکپارچه ای نیست که هدف و زاویه ی مشخصی داشته باشد و نظریه پرداز و سخنگوی واحدی هم ندارد بررسی مفهوم جرم در لابلای این تفکر تا حدود زیادی مشکل و پیچیده است (longstreet، ۲۰۰۳: ۱۱-۱۵).

واژه ی پست مدرن بلحاظ ادبی گویای دورانی بعد از مدرنیته است که از ترکیب واژه «پست» به معنای «بعد»، «مدرنیسم» به معنای «تجددگرایی و نوگرایی» می باشد. (مهاجری، ۱۳۸۸: ۲۵۳). اینان با تاکید به برابری حقوق ذاتی همه انسانها و جلوگیری از محرومیت دائمی از حقوق اجتماعی شهروندان، احتراز از هرگونه تبعیض نژادی، قومی، مذهبی و جنسیتی در جرم انگاری، به رسمیت شناختن اقلیت ها و حقوق آنها، برخورد جدی با جرایم مسئولین دولتی و یقه سفیدها و سلب مصونیت از آنها، نفی مطلق گرایی و با اعتقاد به نسبیّت و تکثرگرایی^۲ قرائت جدیدی در مفهوم و ارکان جرم بوجود آوردند و از این جهت نظام های هنجار ساز را مورد نقد قرار می دهند (Lanier & Henry, ۲۰۰۴: ۳۱۹). با این توصیفات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ترمیمی، ترقیقی و مدنی کردن حقوق کیفری، گام هایی برداشته است، از جمله ماده ۶۶ با تاکید بر سازمانهای مردم نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲. ا.د.ک در بحث میانجگری ها و قانون کاهش جرایم و مجازات های تعزیری مصوب ۹۲- که خروج از دگماتیسم کیفری و پذیرش نسبیّت است- گامی در ترقیق و تلطیف حقوق کیفری به اعتبار مصالحه و میانجگری و همنا با جرم شناسی پسانوگرایی است؛ هرچند در برخی موارد تفاوت های جنسیتی و دینی و نژادی این قانون همچنان پابرجا و مخالف اندیشه ی پسانوگرایی است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴) با اندیشه ی پسانوگرایی در تعارض است؛ چرا که حقیقت مجرمانه در مشی پست مدرن؛ نسبی، ترک خورده، تکه پاره، متکثر، محلی، بومی و بدور از هرگونه عامیت و جهان شمولی است و هیچ چشم انداز و حقیقت مطلقی در جهان وجود ندارد. ممکن است امری امروز ارزش و فردا بعنوان یک ضد ارزش و جرم انگاری شود و یا از منطقه ای نسبت به محله ی دیگر دارای ارزش گذاری متفاوتی باشد. از اینرو هر نوع چشم اندازی به جهان تنها بخشی از جهان را تحلیل می کند. مطالعات ما نشان داد رویکرد قانون فعلی حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری ایران در مقایسه با قوانین سابق بر آن، نقشی مشارکت محور و فعال بدون دگماتیسم حقوقی برای بزه دیده در مسیر تحقیقات مقدماتی لحاظ نموده است. افزایش نقش و جایگاه

^۱ . Postmodern criminology

^۲ . Pluralism

بزه دیده در فرایند کیفری به عنوان یکی از نتایج ظهور و گسترش بزه دیده‌شناسی حمایتی یاد می‌شود که در قانون کاهش جرایم تعزیری نمود قابل توجهی داشته است. (اختری، ۱۳۸۹: ۲۶) اندیشمندان پسامدرن در مفهوم نسبیّت تا جایی پیش می‌روند که یکی از نظریه پردازان این مکتب معتقد است؛ تفاوت یک دانشجوی انگلیسی تا یک دانشجوی اسکاتلندی بیشتر است تا یک مجرم و ناکرده بزه. پس مجرمیت خصوصیت ذاتی یک رفتار نیست و امروز باید بجای جرم انگاری از یک مرکز واحد به بومی گری و تصمیم سازی محلی اهتمام ورزید؛ چراکه تنوع سرزمینی مستلزم تنوع قانونگذاری است. پس جرم انگاری که برای یک ایالت خوب است نمی‌تواند قانون خوبی برای سایر ایالت‌ها باشد. (عبدالفتاح، ۱۳۹۱: ۱۳۶-۱۷۰) با عنایت به پیشگفته، قدری تسامح در جرم‌شناسی پست مدرن جرایم به دو قسمت تقسیم میشوند:

الف) جرایم تقلیل دهنده مادی: جرایمی هستند که شرایط مادی و حیثی فرد بدلیل جرم کاهش پیدا می‌کند (Milovanovic, ۲۰۰۷: ۸۳). این جرایم گاه باعث تلف اموال می‌شود مانند سرقت یا سبب آسیب به سلامتی یا زندگی شود مانند ضرب و جرح یا قتل یا باعث از دست رفتن آبرو و حیثیت شود مانند تجاوز. ب) جرایم سرکوب کننده معنوی: جرایمی هستند که فرد یا گروه آسیب دیده بخاطر تبعیض جنسیتی یا نژادپرستی یا مذهبی و غیره در محدودیتی قرار می‌گیرد و از دست یابی به هدف و موقعیت شغلی مطلوب باز می‌دارد (Henry and Milovanovic, ۲۰۰۰: ۶). جرایم تبعیضی و تبعی اصولاً در قسمت جرایم سرکوب کننده معنوی جای می‌گیرند مانند نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف. رفاه و امنیت، مکان زندگی مناسب، امکانات درمانی مناسب و درآمد آبرومندانه باید برای تمام افراد تامین شود. جرم حقیقی، نقض این حقوق است؛ در واقع، جنگ، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و اعمالی که موجب فقر می‌شوند پیامد نظام مدرنیته بوده و عامل اصلی این جرایم را باید در سیستم مدرنیته جستجو کرد بنابراین می‌توان گفت جرایم سرکوب کننده، جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی و اولیه انسان هاست، هیچ نهاد رسمی حاکمیتی حق ندارد شهروندان را از حقوق ذاتی شان محروم کند (۲۰۰۱: ۵۱, Mclaughline & Muncie). با توجه به پیشگفته در این مقاله برانیم، به ارزیابی مولفه های پسانوگرایی پردازیم سپس مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با آن مقایسه کنیم.

۱. مولفه های جرم‌شناسی پست مدرن در ساختار جرم، قرابت یا غرابت آن با قانون مجازات اسلامی

مولفه های پست مدرن ها در ساختار جرم عبارت از: ۱- ذهنیت؛ ۲- قدرت ۳- زبان-۴- نفی فرا روایت ها-۵- رسانه های جمعی می‌باشد. از این میان، به فراخور نیاز برای بازخوانی مفهوم جرم، این مبانی بررسی می‌شوند.

۱-۱. جرم بر ساخته قدرت

قدرت و حاکمیت سیاسی از مهمترین مولفه های پست مدرن در تعریف جرم است که دولت ها اغلب از قدرت خود در جرم انگاری و جرم زدایی استفاده می‌کنند. از نظر جرم شناسان پست مدرن، "جرم" محصول استفاده از قدرت توسط طبقات حاکم برای محدود کردن رفتار افرادی است که در قدرت و تاثیر گزارای سیاسی نقشی ندارند؛ اما سعی در غلبه بر نابرابری های اجتماعی دارند^۱ و به گونه ای رفتار می‌کنند که ساختار قدرت محدود شود این افراد اپوزیسیون، دگرخواهان و دگرزیست فکری سیاسی هستند که

^۱ - از این حیث، جرم تنها حاصل یک طبقه بندی رفتار است که منافع و ارزش های گروه صاحب قدرت را تضمین یا منعکس می‌کند.

حاکمیت در پناه جرم انگاری سعی در انسداد و وقفه فعالیت‌های آنها را دارد. (Carrington, ۱۹۹۸: ۲) پست مدرن‌ها جرم را ماحصل قانونی می‌دانند که قانونگذاران تحت تأثیر قدرتمندترین بخش جامعه تدوین میکنند؛ موید این ادعا جرایمی که دولت‌ها انجام می‌دهند هیچگاه در لیست بزه‌های قابل مجازات و مجرمان قرار نگرفته است. در ارتباط با دخالت دولت‌ها در امر قانونگذاری حقوقدان شهیر «ویشنسکی» در زمان استالین نقل شده است که بیان میکند: «قانون برای فرد در مقابل دولت نیست؛ بلکه برای حمایت از دولت علیه فرد است» (موریس دورگر، ۱۹۶۳: ۴). هیچ تعجیبی ندارد که ترکیب زندانها از افرادی است که لایه‌های زیرین اجتماع و یقه چرکین‌ها و حاشیه‌نشین‌ها می‌باشد (نایجیلی ۱۳۷۶: ۳۹۲)

جرایم یقه سفید؛ در قانون ما، اختلاس‌های میلیاردی و پرونده‌های کلان فساد اقتصادی دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی در کشورمان که با سکوت و تسامحی برخورد کردن مراجع قضایی و اختصاری اعلام کردن اسامی مختلسین تحت عناوین (ب - ز)، (ف - ن - د) و... مواجه شد، میزان مشروعیت دولت را در افکار عمومی بشدت پایین آورد. این رویکرد، مهمترین آسیب جرایم یقه سفید، همین تبعات غیرمستقیم ولی سنگینی است که بر فضای عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد، اعتماد مردم از نهادهای عمومی را سلب می‌نماید. (میلووانویس، ۱۹۹۷: ۶۲)^۱ حس بدبینی را در میان اقشار جامعه گسترش می‌دهد و در نهایت موجب ناامیدی افراد جامعه از دستیابی به اهداف خود در زندگی ایجاد حس بیگانگی میان مردم و دولت می‌گردد. (ماتیسن توماس، ۱۹۹۰: ۸۱)^۲ دلیل عدم جرم انگاری صریح و قاطع در جرم انگاری یقه سفید، با مولفه اول پسامدرن که همان پدیده‌ی قدرت حاکم است تناسب دارد.

اضافه شدن یک بند به قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور به منظور جلوگیری از ترویج و فعالیت شرکت‌های هرمی (۱۳۸۴) و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) هرچند بی‌تأثیر نبوده؛ اما به نظر می‌رسد تصویب این قوانین محصول تحولات مقطعی و پاسخی زودگذر به تشدید مطالبات عمومی شهروندان است و معمولاً این قوانین فرصت مناسبی برای اجرایی شدن، پیدا نمی‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۳۳).

لازم به ذکر است با توجه به رویکرد انتقادی جرم‌شناسی پسامدرن، روند تصویب قوانین نسبت به جرایم یقه سفید در کشور در دهه‌های اخیر، به رغم تجربه فراز و فرودهای مختلف و تغییرات نامتوازن در مقررات ناظر بر این جرایم، توجه چندانی به حقوق مصرف‌کنندگان نداشته است. جدیدترین تحولات قانونی ناظر بر جرایم یقه سفید از سال ۱۳۹۰ به این سو نیز، وجود رویکردهای پراکنده و نامنسجم در قانونگذاری، نبود نگرش‌های سیستمی به موضوع جرایم یقه سفید، موجب گردیده با وجود فرارگیری در دهه‌ی چهارم انقلاب اسلامی و تجربه کردن حوادث تلخی همچون پرونده‌های کلان فساد اقتصادی و اختلاس‌های میلیاردی برنامه‌های منسجم و کارآمدی به منظور مقابله و کنترل جرایم یقه سفید ارائه نشده و چشم انداز روشنی نیز در این زمینه قابل ترسیم نباشد.

۱-۲. جرم برساخته‌ی بازتاب رسانه‌ای

زعمای پست مدرن در قرائت خود از جرم‌شناسی رسانه‌ای^۳، جرم را بر ساخته نظام فرهنگی - سیاسی و قدرت حاکم می‌داند که رسانه‌های جمعی بطور فزاینده‌ای در شکل‌گیری آن نقش دارند. (هنری، ۲۰۰۹:

(۲۰۱)

^۱ - Milovanovic

^۲ - Mathiesen, Thomas .

^۳ . newsmaging criminology

پست مدرنیسم با اعتقاد و باور به اینکه جرم بر ساخته نظام قدرت و حاکمیت فرهنگ برتر است، رسانه‌ها را یکی از عوامل مهم در این راستا می‌دانند. بویژه اگر رسانه‌ها، تریبون‌ها، مطبوعات و... در دست قدرت حاکم باشد. رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده جنایی نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت آنها را درباره جرم و عدالت کیفری سامان می‌بخشند. (فرجیها، ۱۳۷۶: ۸۷) رسانه‌های گروهی بدلیل برخورداری از این ظرفیت یکی از ابزارهای مؤثر برای کنترل نهادها و جریان‌های قدرتمند و بانفوذ تلقی می‌شوند. پس رسانه‌ها قدرت ساخت جرم یا جرم‌انگاری را نیز دارند. پست مدرن‌ها مخالف این موضوع هستند و بر این باورند که رسانه‌ها نباید خود را قیّم مردم بدانند و ذهنیت شهروندان را در رفتارهای مختلف طبقه‌بندی و ترسیم کنند (رحمانیان، ۱۳۷۸: ۷۸-۶۲).

بنابراین رسانه‌ها می‌توانند عامل جرم‌انگاری باشند و همچنین عاملی که به نظام قدرت حاکم مشروعیت ببخشد و یا از مشروعیت خارج کند؛ اما اصولاً رسانه‌ها در جهت توجیه رفتارهای حاکمیت و در خدمت آنها و در مسیر جهت‌دهی افکار عمومی و اقناع وجدانی آنها از رفتارهای حاکمان و حاکمیت هستند (دل‌ماس مارتی، ۱۳۸۱: ۳۰۵-۳۰۴).

۱-۳. جرم بر ساخته ذهنیت^۱ (به جای عینیت)

به اعتقاد طرفداران این مکتب، هر فرهنگ برای قضاوت در مورد حقیقت، معیار خاص خود را دارد، که ذاتاً بر فرهنگ دیگر برتری ندارد و ساختار ارزشها، که در قانون منعکس شده است، در طول زمان تغییر می‌کند و به شدت تحت تأثیر بافت فرهنگی آن نظام‌های ارزشی می‌باشد به عبارت دیگر، قواعد و هنجارها و ارزشهای اجتماعی، قراردادی هستند و حقیقت فاقد مفهوم عینی است (Druzin, ۲۰۱۲: ۵۶-۴۱). حقوق مدرن بر مفهوم عقلانیت تجربی به عنوان ارزش استوار است پست مدرنیسم شناخت حاصل از عقل تجربی را معتبر نمی‌داند. (شهابی، ۱۳۹۲: ۶).

به باور کانت جهانی که در آن به سر می‌بریم و ادراکش می‌کنیم، به کیفیات ذهن مدرک وابسته است، نه اینکه وجودی مستقل از آن داشته باشد. به تعبیر کانت، حقیقت «تنها در مغز ما» وجود دارد (هیگس، ۱۳۹۱: ۵۳).

نیچه، حقیقت را افسانه‌ای می‌داند که ساخته ذهن بشری است و مجرم و هموناً صرفاً مصنوعات ذهنی بشری هستند به باور وی، هرگونه بینشی مبتنی بر حقیقت صرفاً تفسیر یا برداشتی است منبعث از خواست قدرت (نیچه، ۱۳۸۵: ۱۶۵-۱۶۶). از این منظر، هر نگاهی به جهان، ناگزیر از خلال چشم اندازی خاص می‌نگرد. از آنجا که هر چشم اندازی تنها دریچه‌ای به بخشی از حقیقت جهان است، هیچ نگاهی نمی‌تواند مدعی شناخت مطلق یا برتری نسبت به سایر نگاه‌ها باشد (واربرتون، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۶). به عبارت دیگر، در بینش چشم انداز باوری^۲ هیچ ترجیحی برای برتر دانستن یک چشم انداز نسبت به سایر چشم اندازها وجود ندارد. نسبت به این معنا است که ارزش‌ها، باورها، اخلاق و حقیقت و حتی جرم جملگی اموری نسبی و احتمالی و شخصی‌اند، نه مطلق، ضروری یا جهان‌شمول، این بدان معنا است که هر نوع ادعایی تنها در نسبت با ادعایی دیگر صحیح است و هیچ ادعایی نمی‌تواند مطلقاً صحیح باشد (وارد، ۱۳۹۲: ۲۸۷) پس رفتار مجرمانه و یا غیر مجرمانه تنها ذهنیت ما در جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم و تغذیه آن از طرف قدرتمندان است. در جامعه‌ای همجنس بازی آزاد و در جامعه‌ای دیگر نتیجه‌ی چنین رفتاری، مرگ است.

^۱. Subjectivity

^۲. Perspectivism

مهم‌ترین ارمان ذهنیت برای اندیشه پست مدرن، همانا نفی «حقیقت بنیادین»^۱ به عنوان و اساس نظام فکری مدرنیسم است. در اندیشه پست مدرن، حقیقت صرفاً «برساخته ای ذهنی» است نه امری عینی و بیرونی. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۲۱). این دیدگاه پسانوگراها با مفروضات و حدود الهی در تعارض است.

۱-۴. جرم بر ساخته زبان (به جای حقیقت)

از دیدگاه جرم‌شناسان پست مدرن، قانون کیفری تجلی زبان مسلط طبقه حاکم است. نهاد دادگستری از مجرای قوانین و ایجاد ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، مجری خواست طبقه ی مسلط است (نوذری، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۸). یعنی نهاد دادگاه جنایی که با به نمایش درآوردن محاکمات، که جامعه از طریق آن به بازسازی ارزشهای اساسی خود اقدام می‌کند، اساساً بر یک زبان مسلط تکیه دارد. جرم قبل از قانون وجود نداشته است و قانون، کاشف جرم نیست؛ بلکه واضح جرم است (بست، ۱۳۷۲: ۱۰۴). بزعم اینان همان اندازه قوی‌ترین علوم آزمایشگاهی در مورد یک قضیه می‌توانند درست اعلام نظر کنند که یک دعانویس هندی... . ویتگنشتاین فقط بازی‌های زبانی مختلفی وجود دارد که براساس آن به برخی پدیده‌ها صرفاً با واژگان و زبان، معناهایی را نسبت می‌دهیم. این موضوع بدین معناست که چیزی به نام جرم طبیعی وجود ندارد (۱۹۹۵: ۱۶: Morrision).

در نتیجه این در جای دیگر بودن متن، معنای آن را با تکثیر پیوند می‌زند از اینرو وقتی معنای جرم را در متن اجتماع بررسی می‌کنیم بهتر است این مفهوم را به زبان محلی تفسیر کنیم و از یکسو نگری و جهت دار بودن این مفهوم دست برداریم (آقایی، ۱۳۸۸: ۵۲). این همان نگاهی است که فیلسوف اسپانیایی، ارتگاگاست بدان قائل بود: یعنی به اندازه دیدگاه هایمان، حقایق وجود دارد. این نگرش در خصوص برداشت از جرم نیز بی‌تأثیر نیست (ریفکن، ۱۳۸۳: ۸۰). در حقوق کیفری این سوال راجع به روایتها پیرامون وقوع جرم پیش می‌آید؛ آیا این داستانها و روایتهایی که بواسطه شهروندان، شاهدان، گزارشات روزنامه‌ها، که در گزارش یک جرم و گردآوری شده در یک پرونده تأثیر گذار می‌باشد؟ هر شاهد جرمی اظهارات خود را بر مبنای دید شخصی‌اش و حقایق را بر پایه خواسته‌ها و امیال خود بیان می‌کند. (کاظمی، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶).

در اندیشه بارت، همه متن‌ها بینا متنی هستند. هیچ متنی از خلأ خلق نمی‌شود، بلکه همواره با ارجاع به متون دیگر ساخت می‌یابد. بارت این مطلب را با گزاره ای شیوا بیان می‌کند: «این زبان است که سخن می‌گوید، نه مؤلف» به باور وی، خواننده حین مواجهه با متن و خوانش آن، خود به مؤلف بدل می‌شود و مرگ مؤلف را رقم می‌زند. بنابراین حتی قاضی هم در تفسیر زبان قانونگذار ممکن است متنی تازه خلق کند (استراترن، ۱۳۸۹: ۳۱). اختیاراتی که قانونگذار در بایگانی کردن پرونده و معامله اتهامی و ارجاع برای توافقات اصحاب دعوی در مواد ۸۰-۸۱-۸۲-ق.آ.د.ک. صادر می‌کند، بر پایه ی ساختار زبانی و تنوع برداشت‌ها و گفتگوهای جلسه ی رسیدگی است که بر اساس مولفه ی زبان در قانون شکل‌گیری شده است. در قانون تبصره ۲ ماده ۱۹۰ و ماده ۴۱۵ ق آ د ک ؛ موارد الزامی جهت حضور وکیل در دادسرا برای متهم به شرح ذیل می‌باشد

۱- در جرایمی که مجازات آن :

الف: سلب حیات

^۱ . Deep truth

ب: حبس ابد می باشد

چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.

-۲ در جرایم ارتكابی توسط افراد ۱۵ تا ۱۸ سال

الف: که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است

ب: یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است

پ: و جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر

دادسرا به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود.

۵-۵. انفی فرا روایت ها

لیوتار، نفی فرا روایت ها و اصول را شاخصه و مؤلفه اصلی پسانوگرایی می‌داند. فراروایت به معنای هر کوشش نظری برای یافتن اصل یا قواعد کلی حاکم بر روابط بشری و فعالیت های اجتماعی است. بعبارت دیگر پسانوگرایان با هر گونه مرکزگرایی و اصول گرایی مخالفند و به هیچ حقیقت مطلق و ثابتی اعتقاد ندارند و هیچ اصلی و اصولی را نمی‌پذیرند و با احترام گذاشتن به تفاوت فردی و فرهنگی به حیات و زندگی بشری تنوع می‌بخشیم همانطور که لیوتار می‌گوید: «کار ما عرضه حقیقت نیست، اجازه دهید تفاوت ها را فعال کنیم و حرمت آنها پاس بداریم (حقیقی، ۱۳۷۹: ۲۳)». پس هیچ اصل یا مفهومی در دنیا وجود ندارد که مبنای سایر مفاهیم باشد. (kiely, ۱۹۹۵: ۱۵۴-۱۵۳). جامعه ای که انسانها را یکدست می‌کند و ارزش ها را از مجرای حقوق کیفری تحمیل می‌کند، حتی اگر جامعه هنجار ساز و مذهبی باشد، انسان را به نا- انسان تبدیل میکند. از نظر میشل فوکو، یکسونگری در اعمال حقوق و قوانین و جرم انگاری توسط دولت، جای خود را به روایت های محلی بدهند؛ چرا که مشکلات محلی محتاج راه حل های محلی است. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷) ایجاد اصول قانونی از طریق ایجاد تمایز میان افراد و جدا کردن آنها از یکدیگر بر مبنای تفاوت هایی نظیر اصول و قواعد بهنجار و نابهنجار، عاقل و دیوانه، مجاز و ممنوع، نسبت به افراد هویت بخشی می‌کند. در نتیجه برای آنها هویتی درست می‌کند که خود را در آینه آن ادراک می‌کنند (استنگروم و گاروی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

مفروضات قانونی؛ فمنیسم های پست مدرن بر این عقیده اند که جامعه ی امروز، سلطه مرد بر زن پایان یافته است. با نگاهی به قانون مجازات اسلامی مذكر مداری در آن یک برجستگی خاصی دارد که در تعارض با این گفتمان است. (سجادی ۱۳۸۴: ۲۹). در خصوص جرایم تبعیضی، زنانی غیر مسلمان با زن مسلمان موجب قتل زانی غیر مسلمان است. همچنین قسمت آخر ماده ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی در قصاص عضو اگر مجنی علیه زن مسلمان و مرتکب مرد غیر مسلمان باشد در قصاص عضو لازم به پرداخت نصف دیه نیست (تبعیض دینی) و هکذا در ماده ۳۸۲. مفروضات قانونی دومین موضع در بحث قدرت حدود الهی است. از یک سو در مباحث حدود الهی و احکام تکلیفی قصاص و دیات بلحاظ مفروض و تبعیدی بودن، امکان اجتهاد، پویایی و تحول در آموزه های اسلامی وجود ندارد بعنوان نمونه، حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا، هشتاد ضربه شلاق در شرب خمر بدون کم یا زیاد، سن مسئولیت کیفری ۹ سال برای ذکور و ۱۵ سال برای انوث بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی و روانشناختی با بینش پسامدرن فاصله دار است.

قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی، از پیش فرض های اندیشه ی پسانوگرایی است. اینان به پلکانی و تدریجی بودن مسئولیت معتقدند. از دگرسو؛ در مباحث تعزیری اسلام؛ نوسانات صدور احکام بسیار باز است. تعزیرات حوزه مانور قانونگذار و قاضی است و دق الباب اجتهاد است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۴۷) می توان گفت اندیشه پست مدرن با این قسمت از مباحث اسلامی تناسب دارد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، جنایت‌های ارتكابی میان مسلمانان و غیرمسلمانان پرداخته شده و علاوه بر کلیات، بالغ بر ۱۰ ماده به این امر اختصاص یافته است. در قانون کنونی، احکام یاد شده با اندکی تغییر در عبارات قانونی، طی مواد ۳۰۱، ۳۱۰ و ۳۸۲ مورد تأکید قرار گرفته است در ماده ۳۱۰ قانون فعلی، مجنی علیه به دو دسته مسلمان و غیرمسلمان و سپس غیرمسلمانان به چهار دسته ذمی، مستامن، معاهد و «غیر اینها» تقسیم شده‌اند؛ با این حال هنوز تبعیض مذهبی یکی از مولفه های قانون مصوب ۱۳۹۲ و مخالف پسانوگرایی است.

موضوع دیگر جرایم تبعی و تبعیضی است. در خصوص جرایم تبعی، در ماده ۲۳ و بویژه ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، فرد محکوم از حقوق اجتماعی محروم می شود این محرومیت از داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری تا شوراهای شهر و روستا، محرومیت از اشتغال و استخدام در کلیه دستگاههای حکومتی و سایر محدودیت ها و محرومیت ها را شامل می شود. جرایم تبعی که شهروند از حقوق ذاتی محروم می کند مخالف جرم شناسی پست مدرن می باشد.

۲. تحولات پسانوگرایی در عناصر متشکله جرم

علاوه بر این تلقی کلی پسانوگرایانه از جرم، امروزه شاهد تحولاتی پیرامون عناصر تشکیل دهنده جرم در تفکر پسانوگرایی هستیم:

۲-۱- تحول در عنصر قانونی

بزعم پست مدرن ها اصل قانونی بودن برعکس دیدگاه بانیان آن، در جهت منافع گروههای خاص در پناه جرم انگاری سوگرایانه و جهت دار نه تنها در جهت حفظ حقوق و منافع مردم نمی باشند بلکه حتی در جهت تقویت قدرت حاکم و تضعیف جایگاه مردم، مورد سوء استفاده قرار میگیرد (دورگر، ۱۹۶۳: ۱۰)

۲-۱-۱ از قانونمندی حقوق کیفری تا آیین نامه ای و قابل گذشت شدن حقوق کیفری

به باور پست مدرن، اصل قانونمندی بکاریا برعکس تفکر وی امروزه قانون را بعنوان مظهر خواسته های قدرت، تلقی کرده و حاکمیت قانون، که روزی به مثابه تضمینی برای آزادی های فردی محسوب می شد، امروز به پوششی برای حاکمیت دولت تبدیل گردد. از سوی دیگر، امروزه باید از آیین نامه ای شدن یا اداری شدن حقوق کیفری نیز به مثابه تحولی که به منزله ترقیق قانونمندی در جهت عقب نشینی حقوق کیفری است، یاد نمود. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۱۸) ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که با شیوه احصایی قانونی اقدام به برشمردن جرایم قابل گذشت نموده و اِشعار می داشت: «علاوه بر جرایم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حد کذف این قانون و جرایمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرایم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب می شوند که در این بخش همسو و هم‌نوا با اندیشه پست مدرن می باشد. نمونه دیگر آیین نامه اجرایی ماده ۷ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب معاون اول

رییس جمهور است. ماده ۲ این آیین نامه که برحسب نمرات منفی متخلف، ضبط گواهینامه و حتی ابطال آن و جزای نقدی، توسط اداره راهنمایی رانندگی انجام می‌گیرد و در ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، تشکیل سازمان تعزیرات حکومتی و دادگاه ویژه روحانیت توسط نهادهای اجرایی و نه تقنینی نمونه بارزی از این رویکرد است (موسوی مجاب، ۱۳۸۶: ۷۶) در واقع هر مقدار از دگم قانونی خروج و به سمت آیین نامه‌ها حرکت کنیم شاهد نوعی هماوایی با جرم‌شناسی تکثرگرایی پست مدرن هستیم.

۲-۱-۲. تحول در عنوان گذاری جرایم

یکی دیگر از تحولاتی که به موازات آیین نامه ای شدن حقوق کیفری شاهد آن هستیم، تحول در عنوان گذاری جرایم است. قانونگذاران در وصف گذاری برای جرایم جدید با دشواری‌هایی روبرو شده‌اند، که خود نشان از خدشه دار شدن کلان روایت های کیفری است. جرایمی که تحت عنوان «در حکم محاربه و افساد فی الارض» در نظام کیفری ما سربر آورده است، بی آن که تطابقی با تعریف اصل محاربه داشته باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۶۹).

۲-۲. تحولات مربوط به عنصر مادی

۲-۲-۱. فنی - تخصصی شدن رفتار مجرمانه

حقوق کیفری امروز از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را که جرم انگاری می‌کند، بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اطلاعات و ارتباطات، حقوق مالکیت فکری، حقوق کیفری هسته‌ای، حقوق کیفری محیط زیست و... نشان از تخصصی شدن حقوق کیفری دارد (نجفی ابرندآبادی ۱۳۸۸: ۶۹۲).

۲-۲-۲. صنفی شدن رفتار مجرمانه

صنفی شدن به یک معنا شاید تحول چندان جدیدی هم نباشد. به عنوان مثال دیر زمانی است که ما حقوق کیفری نظامیان را شاهد هستیم. امروزه حرکت به سمت قضا زدایی، تمرکز زدایی از حقوق کیفری در جهت حضور سایر سازمانهای اجتماعی و اداری و مردم نهاد می‌باشد. به این ترتیب برخی رفتارها، نظیر تخلفات ورزشی یا پزشکی که در کمیته‌های انضباطی فدراسیون های ورزشی یا پزشکی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، عنوان تخلف اداری یافته‌اند (گزارش جرم زدایی اروپا، ۱۳۸۴: ۹).

۲-۲-۳. مطلق بودن رفتار مجرمانه

توجه به ارزش های جدید و اهمیت آن‌ها سبب شده است تا حقوق کیفری، نفس رفتار صورت گرفته را صرف نظر از این که نتیجه ای بر آن مترتب باشد یا خیر جرم انگاری کند. صدور چک بلامحل یا نفس پیشنهاد رشوه، قطع نظر از نتایج مترتب بر آن در جهت مبارزه با فساد و کنترل نظم و امنیت، در برخی کنوانسیون های بین المللی نظیر کنوانسیون مبارزه با فساد (مریدا) ۲۰۰۳ نیز دیده می‌شود. (اسکور ادوین، ۱۹۷۱: ۱۷۷)

۲-۲-۴. ارتکاب جرایم از طریق ترک فعل

یکی دیگر از تحولاتی که در حوزه مربوط به عنصر مادی جرم، با آن روبه رو هستیم، افزایش جرم انگاری رفتارهایی است که جنبه سلبی دارند. این شیوه جرم انگاری و توسعه قلمرو و ترک فعل در حوزه مربوط به بزه دیدگی اطفال، جرایم اقتصادی و جرایم امنیتی نیز به روشنی قابل مشاهده است. به عنوان مثال در قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد ۱۳۹۰ علاوه بر مسئولان و مدیران ادارات، به موجب تبصره

ماده ۱۳ اگر کارکنان دستگاه‌های موضوع قانون مزبور، وقوع جرایم را گزارش ننمایند، مرتکب جرم تلقی می‌شوند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۲۹۶)

۲-۳. تحولات مربوط به عنصر روانی

۲-۳-۱. ظهور جرایم با مسئولیت مطلق

امروزه روند جرم‌انگاری‌ها به سمت جرایم مادی صرف است. یعنی قانون‌گذار هنگام جرم‌انگاری، سوء نیت را نه این‌که لازم نداند، بلکه وجود آن را در رفتار صورت گرفته، مفروض تلقی می‌کند و دادستان را معاف از ارائه دلیل مبنی بر وجود سوء نیت می‌داند (ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۵۵).

۲-۳-۲. تقلیل جرم به شبه جرم

جرم در تلقی تفکر مدرن نقض ارزش‌های اساسی و نظم عمومی جامعه خوانده می‌شود؛ حال آنکه در مفهوم پسانوگرایانه‌ای عدالت ترمیم، جرم قبل این‌که نقض ارزش‌های جامعه باشد لطمه به روابط شخصی افراد است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۲) بر این اساس جرم شناسان پست مدرن به جای توسل دولت به خشونت، استفاده از پاسخ‌های اجتماعی و صلح‌جویانه، رویکردهای توافقی و تصالحی و ترفیقی را توصیه می‌کنند و می‌گویند «سیاست‌های اجتماعی زورگویانه صرف، مشکل جرم را تداوم می‌بخشد؛ مجازات، مانند رفتن به جنگ است و مردمی که به جنگ می‌روند بر این باورند که خشونت نتیجه بخش است و در نتیجه متوسل به خشونت می‌شوند» (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۷۳). بدین سان مفهوم جرم، در عدالت ترمیمی^۱، مفهومی عینیت یافته و ترفیق شده است و جنبه مدنی یافته است. ماده ۶۶ با تأکید بر سازمان‌های مردم‌نهاد و ماده ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ ق.ا.د.ک. مصوب ۹۲ گامی در ترفیق و تلطیف حقوق کیفری به اعتبار مصالحه و میانجگری است. (ساقیان، ۱۳۹۴: ۶۴)

۳. قانون کاهش مجازات‌ها مصوب ۹۲ و قرابت با حقوق کیفری پست مدرن

قانونگذاران به دلایل چندی از جمله کاهش هزینه‌های دولت در نگهداری زندانیان و کاهش آثار منفی مجازات زندان، بر جامعه و محکوم، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را تصویب کرد. قانونگذار مانند جرم‌شناسان پست مدرن، حصار محکم و حصین خود را شکسته و تغییر و تحول را بعنوان یکی از ارکان قانونگذاری پذیرفته است. در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری، قانونگذار با پیش‌بینی معیارهای مختلف، دامنه جرایم قابل گذشت را بیشتر از هر زمانی گسترش داده است که نشان‌دهنده توجه هرچه بیشتر قانونگذار به جایگاه بزه دیده و اعطای نقش فعال به وی در نظام دادرسی می‌باشد و این امر به عنوان یکی از دستاوردهای مهم قانون کاهش می‌باشد. از دیگر دستاوردهای قانون کاهش مجازات حبس، اعمال سیاست کیفی سازی در برخی از جرایم پرتکرار علیه اموال، از قبیل کلاهبرداری و مصادیق آن و همچنین بزه سرقت و مشتقات آن می‌باشد سیاست کیفی سازی صورت گرفته در قانون کاهش، در واقع توجه به شاخص‌های عدالت ترمیمی و از تضمینات اصل فردی کردن مجازات می‌باشد. (رشنودی، دیگران، ۱۴۰۰: ۳۹) که دقیقاً رویکردی است که مورد استقبال جرم‌شناسان پسانوگراست.

۱-۳-۱. انطباق ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با جرم‌شناسی پست مدرن

^۱. Restorative Justice

مطابق ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹: «مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۲/۳/۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح ذیل کاهش یا تبدیل می‌شوند .

در صدر ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اول اشاره به تمام مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات که این مجازات‌ها شامل شلاق تعزیری، جزای نقدی، مجازات‌های تکمیلی و غیره است. یعنی قانونگذار با عدول از اصل فراروایت و پذیرش نسبت جرم شناسی پست مدرن، همه جرایم تعزیری را قابل گذشت و تغییر دانسته است.

۱-۱-۳- پذیرش تبدیل مجازات جرم تخریب عمدی موضوع ماده ۶۷۷ منطبق با جرم شناسی پست مدرن مطابق بند (ت) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مجازات حبس موضوع ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ راجع به جرم تخریب در صورتی که مال مخروب معادل صد میلیون ریال یا کمتر باشد حذف و به جزای نقدی نسبی معادل ۲ برابر ارزش مال مورد تخریب محکوم می‌شود. قانونگذار در بند (ت) ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به یک اقدام تبدیلی و نه کاهشی دست زده است. (پرجمی، پیشین: ۴۳-۴۵)

بنابراین از این حیث و با پذیرش اختیار قاضی در تبدیل مجازات، متناسب با وضعیت مجرمانه، شاهد همنوایی و همخوانی این قانون با جرم شناسی پست مدرن هستیم .

۲-۱-۳- حذف مجازات شلاق در جرم تخریب محصول، باغ، آسیاب و... در بند (ث) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات

به موجب بند (ث) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، مجازات جرم تخریب محصول، باغ، آسیاب و غیره به حبس درجه ۶ تقلیل پیدا می‌کند و مجازات شلاق مندرج در ماده ۶۸۴ قانون مجازات اسلامی تعزیرات حذف می‌شود که باید گفت که اولاً مطابق عنوان قانون کاهش مجازات، قانونگذار قصدی در حذف مجازات‌ها نداشته است و ثانیاً روی عمل ایشان مجازات حبس است نه مجازات شلاق. حذف مجازات شلاق یک اقدام بشردوستانه و همراهی با جرم شناسان پست مدرن در کرامت انسانی و در راستای کاستن از جنبه ترذیلی مجازات‌ها و اقدامی در خور می‌باشد. (شیریان نسل، ۱۳۹۹: ۶۷)

۳-۱-۳- جرم توهین به اشخاص عادی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات

مطابق بند (ج) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات جرم توهین به اشخاص عادی موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ به جزای نقدی درجه ۶ تغییر پیدا می‌کند که تحلیل آن با جرم شناسی پست مدرن از جهات زیر قابل ارزیابی است:

الف) جرم توهین موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا تعزیرات نیز از آن دسته از جرائمی است که قانونگذار در آن به تغییرات مجازات حبس اکتفا نکرده و مجازات شلاق تعزیری مندرج در ماده را حذف کرده است که حذف مجازات تازیانه اقدام جالب و منطبق با حقوق شهروندی و اصول اولیه پسانوگرایی است (رستمی، ۱۳۹۹: ۱۱۴)

ب: مورد دیگر در اصلاحیه بند ج ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در رابطه با جرم توهین عادی مربوط به مجازات جزای نقدی می‌باشد که این ماده تشدید است و اساساً با رویکردهای

۲-۳-۲. ماده ۳ و ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

مواد ۳ و ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مقام اصلاح مقررات مربوط به حبس ابد و مجازات‌های تکمیلی برآمده و در آن تغییراتی چند اعمال کرده اند. (رشنودی، دیگران، ۱۴۰۰: ۳۳)

۱-۲-۳. حبس‌های ابد غیر حدی

به موجب ماده ۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری یک تبصره به شرح زیر به عنوان تبصره ۶ به ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۹۲ الحاق می شود:

تبصره ۶: «تمام حبس‌های ابد غیر حدی مقرر در قانون به حبس درجه ۱ تبدیل می شود.» و همانطور که می‌دانیم حداقل میزان مجازات حبس درجه ۱ بیش از ۲۵ سال و حداکثر آن نیز مشخص نشده است که قانونگذار ابتدا در پی آن بود که حداکثر آن را تعیین کند لکن با ایراد و مخالفت فقهای شورای نگهبان در مغایرت این مصوبه با احکام شرع نمایندگان مجلس شورای اسلامی تصمیم بر حذف این مصوبه و جلب رضایت شورای نگهبان در تأیید هرچه سریع تر دیگر مواد این طرح برآمدند. مضافاً اینکه مطابق تبصره الحاقی به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی ۱۳۹۹) قاضی ابتدائاً می‌بایست به حداقل مجازات حکم دهد و در صورتی که تصمیم داشته باشد حکمی به بیش از حداقل صادر کند باید میزان و جهات آن را قید کند و تخلف از این مقرر موجب مجازات انتظامی درجه ۴ خواهد شد که این خود اقدام بزرگی در جهت کاهش مجازات حبس و وفق جرم شناسی پسانوگرایی محسوب می شود. (شیریان نسل، ۱۳۹۹: ۶۹)

۲-۲-۳. مجازات‌های تکمیلی درجه ۷ و ۸ و تبعی در تخالف با جرم شناسی پست مدرن

به موجب ماده (۴) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، صدر ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۹۲ به شرح ذیل اصلاح و بندها و تبصره‌های ذیل آن ابقاء می شود:

اصلاحیه ماده ۲۳ مقرر می دارد: دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص، یا مجازات تعزیری درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید. همانطور که مشخص است در اصلاحیه ماده ۴ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ جرایم با مجازات درجه ۷ و ۸ هم به دایره اختیار دادگاه جهت اعمال مجازات تکمیلی اضافه شدند. این در صورتی است که پیش از این در جرایم درجه ۷ و ۸ دادگاه مجاز به صدور حکم به مجازات‌های تکمیلی نبود. (رستمی، ۱۳۹۹: ۱۱۲) این محکومیت ترمیمی مخالف حقوق شهروندی و روح و اندیشه تفکر پسانوگرایی است. قانونگذار با تصویب مواد و تبصره‌های گوناگون به شکل عجیبی مواد قانون مجازات را تنها به ویتزینی خشن و ناکارآمد تبدیل کرده در تهافت با جرم شناسی پسانوگرایی است که نگاه ترمیمی و حداقلی به مجازات‌ها دارد

۳-۳-۳. ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

اصلاحیه ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۹۲ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود.

(۱-۳-۳. الف) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۹): «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند». که بشرح زیر قابل تحلیل با مولفه‌های پسامدرن است.

الف) تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات درجه ۴ و بالاتر

قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا ۳ درجه در تمام درجات حبس تعزیری وجود داشت لکن قانونگذار به موجب اصلاحیه، مقرره تخفیفی اخیر را مشروط به مجازات درجه ۴ و بالاتر نموده که این محرومیت از تخفیف مجازات حبس انطباقی با عنوان قانون که رویکردی تقلیلی و تخفیفی است نداشته و اصولاً رویکرد قانونگذار در بند (الف) ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۹) رویکردی تشدید نسبت به قانون قدیم محسوب می‌شود. اساساً جرایم شناسان پست مدرن با رویکردهای تشدید در جرم‌انگاری و ضمانت‌های اجرایی مخالفند و آنرا در پدیده‌ی تضمین قدرت سیاسی تحلیل می‌کنند و در این مورد خاص علی‌رغم سر فصل قانون کاهش جرایم تعزیری، رویکرد تشدید اتخاذ شده است. (رستمی، ۱۳۹۹: ۱۱۷)

ب: بند (ب) ماده (۳۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۹ الحاقی ۱۳۹۹

مطابق بند (ب) از ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب (۱۳۹۹) تقلیل مجازات حبس درجه ۵ و درجه ۶ به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه ۷ حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه

بند فوق در قانون سابق وجود نداشته و با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بدان اضافه شده است. در صورتی که مطابق قسمت پایانی بند (ب) از ماده (۶) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری قانونگذار در مجازات‌های حبس درجه ۵ و ۶ و ۷ دست به یک اقدام تبدیلی زده است و در این اقدام نوع مجازات را تغییر داده است نه اینکه از آن کاسته باشد. (پرچمی، ۱۳۹۷: ۴۰) در این بند قانونگذار هرچند رویکرد تشدید نداشته و رویه‌ی تبدیلی به نفع متهم را در نظر گرفته است؛ اما به جهت اینکه قانونگذاری و جرم‌انگاری در جهت تقویت قدرت حاکم نبوده مورد تایید پسانوگراهاست.

ج: بند (ث) ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۹

مطابق بند (ث) از ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ «تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه با یک درجه پایین‌تر» مجاز است به موجب قسمت آخر از بند (ث) ماده ۶ قانونگذار به موارد تبدیلی آن هم نه در سیر افزایش بهرمندی از تخفیفات بلکه در راستای محرومیت از آن که یک مسامحتاً یک اقدام تشدید است متوسل شده است، که از حیث تشدید در تعارض با اندیشه‌ی پسانوگرایی است. روح این محرومیت استفاده از تخفیفات قانونی مغایر با عنوان قانون کاهش مجازات که در مسیر تخفیف و تقلیل است می‌باشد. (پرچمی، پیشین: ۴۰-۴۳).

نتیجه‌گیری

ایده‌ی منتج از قرائت پسانوگرایی از جرم معنای واقعی جرم بزع اندیشمندان پسانوگرا، آسیب مادی جسمی یا جانی و حیثیتی نیست؛ بلکه جرم حقیقی نقض رفاه، امنیت، امکانات مناسب درمانی و زندگی

آبرومندانه و جرایم علیه رفاه و حقوق اساسی انسانهاست که قدرت حاکم همواره با ایده های نژادپرستی و تبعیض جنسیتی و دینی و یا محدودیت های ناشی از دیدگاه های سیاسی و مذهبی مختلف این حقوق ذاتی را تحدید می کند و ریشه ی آن را باید در رفتار های سیاسی حاکمیت واکاوی کرد. قانون مصوب ۱۳۹۲ در برخی از مواد قانونی با جرم شناسی پست مدرن تناسب و همخوانی دارد که معمولاً رعایت کرامت انسانی و تحدید قدرت، ترمیمی و مردمی و کاهش جرایم تعزیری است. در برخی دیگر از مواد قانونی نظری جرایم تبعی و تکمیلی، مفروضات قانونی، جرایم یقه سفید، تبعیض های نژادی و دینی و جنسیتی و... در تعارض با جرم شناسی پست مدرن می باشد.

به اختصار می توان پیشنهادها و بایسته های قانون مجازات اسلامی از منظر پست مدرن را بشرح زیر مد نظر قرار داد:

- ۱- از فوائد تفکر پست مدرن در حوزه تقنینی، سیالیت و ژله ای بودن مفاهیم و پارادایم های حقوقی در جهت پرهیز از مفروضات و مفاهیم لایتغیر قانونی که تجلی گاه یک نوع تروریسم فکری است. رد مفروضات در قانونگذاری از قبیل، پرداخت نفقه به شرط تمکین، لایتغیر بودن سن مسئولیت کیفری و حد قذف در صورت غیرمکفی بودن شهود زنا.
- ۲- حذف جرایم تبعی و محرومیت از حقوق ذاتی و اجتماعی شهروندان.
- ۳- پاسخ صریح و قاطع نظام عدالت کیفری به جرایم یقه سفید و مفسدین اقتصادی و دولت‌مردان و سلب مصونیت از آنها.
- ۴- برابری فرهنگی، نژادی، قومی، زبانی، اعتقادی و سیاسی در جرم انگاری و پرهیز از هر نوع تفکیک جنسیتی و مذکرمداری در قانونگذاری. برابری دیه و قتل و قصاص مسلمان و غیر مسلمان، برده و آزاده، زن و مرد، سیاه و سفید.
- ۵- توسعه بخشی به عدالت ترمیمی و ترقیق حقوق کیفری، جهت جلوگیری از برجسب زدن به شهروندان و اهتمام بیشتر به سازمان های مردم نهاد وفق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک و مواد ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ این قانون. قانونگذار در اجرای مواد ۶۳ تا ۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضمانت اجراهای کیفری - خدماتی، جزای نقدی را جایگزین کیفر حبس قرار داده است و تا حدودی سعی بر تعدیل مجازات ها داشته اند.
- ۶- پرهیز از پدر سالاری حقوق کیفری و جرم زدایی استفاده از تجهیزات ماهواره ای در پناه احترام به وجدان جمعی.
- ۷- کنار گذاشتن جرایم و اصطلاحات وارداتی نظیر قسامه، عاقله، محاربه و افساد فی الارض به نفع جرم انگاری متناسب با اصالت سرزمینی، بومی و محلی.
- ۸- توجه بیشتر به اصل فردی کردن مجازات‌ها، قانونگذار در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون کاهش مجازات های تعزیری این مهم عنایت داشته است.

منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۲ش، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی» فصل نامه پژوهش حقوق کیفری شهر دانش، ش ۵.
۱. ۳) ابراهیمی، شهرام، ۱۳۹۳ش، مفهوم جرم شناسی بزه، ترجمه متن رمون گسن، برگرفته از مجموعه مقاله تازه های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران، میزان، چ ۱، ج ۲.

- ۴) ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۷ش، مجموعه تقریرات جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵) ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۹۱، تقریرات جرم‌شناسی به کوشش شهرام ابراهیمی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۶) احمدی، مهدیه؛ افشین مهر، وحید؛ عامری سیاهویی، حمید رضا، ۱۳۹۰ش، آشنایی با معماری معاصر، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- ۷) استراترن، پل، ۱۳۸۹ ش، آشنایی با دریدا، ترجمه پویا ایمانی، تهران، نشر مرکز.
- ۸) استنگروم، جریمی؛ گاروی، جیمز، ۱۳۸۹ش، فیلسوفان بزرگ از سقراط تا فوکو، ترجمه ابوالفضل توکلی شاندیز، تهران، شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- ۹) آقایی، کامران، ۱۳۸۸ش، مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی، تهران، نشر میزان.
- ۱۰) بابایی، پرویز، ۱۳۹۰ش، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی - فارسی)، تهران، انتشارات نگاه.
- ۱۱) بست، ژان میشل، ۱۳۷۲ ش، جامعه‌شناسی جنایت، ترجمه فریدون وحیدا، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۲) جعفری، مجتبی، ۱۳۹۱ش، رویکرد جنبش مطالعات انتقادی حقوق به حقوق کیفری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳) جمعی از مولفان شورای جرم‌زدایی اروپا، ۱۳۸۴ش، (واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی)، گزارش جرم‌زدایی اروپا، قم، انتشارات سلسبیل، چ ۱، ج ۱.
- ۱۴) حجتی اشرفی، غلامرضا، ۱۳۸۵ش، مجموعه کل قوانین و مقررات جزایی، تهران، گنج دانش.
- ۱۵) حسن، احب، ۱۳۸۴ش، «از پست مدرنیسم به پست مدرنیته»، ترجمه زهرا گلپایگانی، سروش اندیشه، سال سوم. ش ۱۰.
- ۱۶) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۹۱ش، گذار از مدرنیته، نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، نشر آگاه.
- ۱۷) حقیقی، شاهرخ، ۱۳۸۱ش، گذر از مدرنیته؟ نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا، تهران، آگاه، چ ۲.
- ۱۸) دلماس مارتی، می ری، ۱۳۸۱ش، نظام‌های بزرگ سیاسی جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ج ۸.
- ۱۹) رحمانیان، منصور، ۱۳۷۸ش، «تأثیر رسانه‌های گروهی بر پیشگیری از جرم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما دکتر ایرج گلدوزیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- ۲۰) رفیعی، غلامرضا، ۱۳۸۱ش، «ضرورت توسعه و تحول حقوق بین‌المللی قضایی در هزاره ی سوم»، گروه مطالعات حقوقی و سیما، تهران، سروش.
- ۲۱) روسو، ژان ژاک، ۱۳۸۴ش، قرارداد اجتماعی، تهران، انتشارات ققنوس.
- ۲۲) ریفکین، جرمی، ۱۳۸۳ش، «از مدرنیسم تا پست مدرنیسم»، ماهنامه سیاحت غرب، ش ۱۵.
- ۲۳) زمانی، سیدقاسم، ۱۳۸۱ش، «جایگاه اصل آزادی در حقوق بین‌المللی»، گروه مطالعات حقوقی صدا و سیما، تهران، سروش.
- ۲۴) ساراپ، مادن، ۱۳۸۲ش، راهنمایی‌مقدماتی برپسا ساختارگرایی، ترجمه محمدرضا تاجیک، تهران، نشر نی.
- ۲۵) ساقیان، محمد مهدی، ۱۳۹۴ش، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۶ و ۵۷.

- ۲۶) سجادی، مهدی، ۱۳۸۴ ش، «فمنیسم در اندیشه پست مدرنیسم»، مطالعات راهبردی زنان. ش ۱۳۲.
- ۲۷) شهابی، مهدی، ۱۳۹۲ ش، «از حقوق مدرن تا حقوق پست مدرن؛ تأملی در مبانی تحول نظام حقوقی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶۱.
- ۲۸) عبدالفتاح، عزت، ۱۳۸۱ ش، «جرم چیست و معیارهای جرم انگاری کدام است؟»، ترجمه اسمعیل رحیمی نژاد، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۴۱.
- ۲۹) فرجیها، محمد، ۱۳۷۶ ش، «جنبه هایی از تأثیر یافته ها و جرم شناسی بر سیاست جنایی»، فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، ش ۱.
- ۳۰) فوکو، میشل، ۱۳۷۸ ش، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانانیده، تهران، نشر نی.
- ۳۱) قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۹ ه ق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه: غفاری، علی اکبر و محمد جواد و صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق، چ ۲، ج ۱.
- ۳۲) قیاسی، جلال الدین، ۱۳۸۵ ش، مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱.
- ۳۳) کاظمی، مهدی، ۱۳۹۴ ش، «پست مدرنیسم و باز-خوانی اندیشه کیفری»، رساله دکتری، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۴) گلدوزیان، دکتر ایرج، ۱۳۹۳ ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چ ۲.
- ۳۵) لچت، جان، ۱۳۹۲ ش، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پساساختارگرایی، ترجمه محسن حکیمی، تهران، نشر خجسته.
- ۳۶) مجموعه قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۵) تنظیم اداره ی کل قوانین، چاپ مجلس شورای اسلامی.
- ۳۷) موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۶ ش، «جامعه شناسی جنایی، نگرشی بر نظریه های جرم شناسی»، تقریرات مقطع کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیسان قم.
- ۳۸) مهاجری، عباسعلی، ۱۳۸۸ ش، فرهنگ دوسویه علوم سیاسی، تهران، انتشارات دانشیار، چ ۲.
- ۳۹) نجفی ابرنآبادی، علی حسین، ۹۲۱۳-۱۳۹۱ ش، تقریرات درس جرم شناسی (از جرم شناسی انتقادی تا جرم شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴۰) نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۸ ش، پست مدرنیسم "تعاریف، نظریه ها و کار بست ها"، تهران، نقش جهان، چ ۳.
- ۴۱) نوذری، حسینعلی، ۱۳۷۹ ش، صورت بندی مدرنیته و پست مدرنیته، بسترهای تکوین تاریخی و زمینه های تکامل اجتماعی، تهران، نقش جهان.
- ۴۲) نیازی، محسن؛ محمدی، محمد صدیق، ۱۳۹۳ ش «چرخش گفتمان تبیین جرم، از دوره ی کلاسیک تا پست مدرنیسم»، مجله کاآگاه، ش ۲۹.
- ۴۳) نیچه، فردریش، ۱۳۸۵ ش، فلسفه، معرفت و حقیقت، ترجمه مراد فرهادپور، تهران، نشر هرمس.
- ۴۴) واربرتون، نایجلی، ۱۳۹۱ ش، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، تهران، نشر ققنوس.
- ۴۵) وارد، گلن، ۱۳۹۲ ش، پست مدرنیسم، ترجمه قادر فخری رنجبری و ابوذر کرمی، تهران، نشر ماهی.

- ۴۶) وایت، راب؛ هینز، فیونا، ۱۳۹۲ش، جرم و جرم‌شناسی، متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۵.
- ۴۶) ویستر، فرانک، ۱۳۸۲ش، نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی، ترجمه مهدی داوودی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۴۷) ولد، جرج و دیگران ۱۳۸۰ش، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۸) ون هام، فرانسواز، ۱۳۹۱ش، آسیب اجتماعی‌شناسی: رشته جدید، توسعه قلمرو جرم‌شناسی؟، ترجمه سیدحسین حسینی و اقبال محمدی، دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی)، بنیاد حقوقی میزان، ج ۱.
- ۴۹) هیکس، استیون، ۱۳۹۱ش، تبیین پست مدرنیسم. شک‌گرایی و سوسیالیسم، از روسو تا فوکو، ترجمه حسن پورسفیر، تهران، نشر ققنوس.
- ۵۰) فتیلی، صادق، قدیری، رشید، صادق نژاد، مجید، نقدی، توسعه، مریم، جرائم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری: بررسی کاربردی چالش‌ها و دستاوردها، نشریه علمی پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی دوره ۹، شماره ۱۸، بهمن ۱۴۰۰، صفحه ۲۸۱-۳۰۲.
- ۵۱) فلسفه عدالت سزاگرایی، ناظر است بر مجازات مجرمین به خاطر اینکه سزاوار آن هستند (علی صفاری، به نقل از جهاندار اکبری، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۹)، ۳۶۷)
- ۵۲) اختری، عباس و حسینعلی موذن زادگان، «جایگاه حقوق بزه دیده در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری ۲۶ (۱۳۹۸): ۲۶.
- ۵۳) عارف رشنودی و زهرا میرزایی، چالش‌ها و دستاوردهای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (تهران: اندیشه نوین، ۱۴۰۰)، ۳۹.
- ۵۴) رستمی، هادی و سید پویا موسوی «مصالح عالیه کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ‌های تعزیرمدار»، حقوق دادگستری ۱۱۲ (۱۳۹۹): ۱۱۲
- ۵۵) شیریان، نسل مریم، بابک ب، «تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر؛ علت‌ها و راهبردها»، مطالعات بین‌المللی ۶۷ (۱۳۹۹): ۶۷
- ۵۶) پرچمی، داود و فاطمه درخشان، «بررسی مجازات اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی ۴۰ (۱۳۹۷): ۴۰

منابع لاتین

۵۰. Becker- Howard (۱۹۶۳) outsiders: studies in the sociology of Deviance, New York: free/press.
۵۱. Beown, Sheila (۲۰۰۵), understanding youth and crime. Open unicerdity press, Mc Craw-Hill education.
۵۲. Carrington, K. (۱۹۹۸). "Postmodernism and Feminist Criminologies: Fragmenting the Criminological Subject". ۵۳. in The New Criminology Revisited. Walton, P. & Young, J. (eds.). London: Macmillan.

۵۴. Cohen, eds., *Punishment and Social Control*. New York: Aldine De Gruyter .
۵۵. Cowling, Mark (۲۰۰۶), *Postmodern Policies? ε-The Erratic Interventions of Constitutive Criminology* ww.Internet Journal of Criminology.
۵۶. Druzin, B (۲۰۱۲) *Finding Footing in a Postmodern Conception of Law, Postmodern Openings, Volume ۳, Issue ۱, March.*
۵۷. Garland, D. (۱۹۹۵), 'Penal Modernism and Post-Modernism', in Thomas G. Blomberg and Stanely
۵۸. Henry Stuart and Milovanovic, Dragan (۲۰۰۰), *Constitutive Criminology: Origins,Core Concepts, and Evaluation, Social Justice Vol. ۲۷, No. ۲*
۵۹. Henry, S. (۲۰۰۹) . *Social constution of crime. in: ۲۱st Century Criminology*, edited by j. Mitchell Miller. Sage.
۶۰. Kiely, Ray (۱۹۹۵), *Sociology and Development: The Impasse and Beyon* London: UCL Press.
- Lanier, M.M, & Henry,S.(۲۰۰۴). *Essential criminology* ,۲nd ed. Boulder CO: Westview Press.
۶۱. Longstreet, W.S.(۲۰۰۳).*Early postmodernism in social education: Revisiting “Decision making: The heart of*
- Mathiesen, Thomas (۱۹۹۰), *Prison on Trial A Critical Assessme, london sage.***
۶۲. Milovanovic ۱۹۹۷ Milovanovic, Dragan (۱۹۹۷), *Postmodern criminology, Garland Publishing*
- Milovanovic,D. (۲۰۰۷). *Legalistic definition of crime.*
۶۳. Morrison, Warne (۱۹۹۵), *Theoretical criminology: from Modernity to Postmodernism, Cavendish publishing limited, Routledge-Cavendish;۱ Edition*
۶۴. Norris, Clive and Michael Mccahill (۲۰۰۶), *CCTV: Beyond Penal Modernism?, British Journal of Criminology,vol ۴۶.*
۶۶. Schur, Edvin (۱۹۷۱), *Labeling Deviant Behavior: its sociological implicatios,* New York, Harper and row.
۶۷. Simon, Jonathan And Malcolm Feeley (۱۹۹۵), *True Crime: The New Penology and Public Discourse on ۶۸. ۶۹. Crime'*, in Thomas G. Blomberg and Stanley Cohen, eds., *Punishment and Social Control,.* New York: Aldine De Gruyter.